

نام و نام خانوادگی در مغرب زمین

مترجم: جعفر راثی تهرانی

Jafar.rasi@gmail.com

درآمد

در مطالعه فرهنگ ملل، یکی از وجوه هویتی آنان، نامهایی است که برای خود انتخاب می‌کنند. توجه به معنی و تداعی آن با مفاهیم مورد نظر، می‌تواند در آشنا شدن با نگرش و طرز تلقی آن ملت از موضوعات مورد علاقه‌شان مفید واقع شود. متن پیش روی، ترجمه و تلخیصی از مقاله نسبتاً بلندی درباره نام و نام خانوادگی در مغرب زمین است که در بریتانیکا (۱) درج شده است. البته در مواردی به نام‌های موجود در فرهنگ‌های غربی نیز اشاره شده است.

انواع اسامی شخصی

مقوله اسم شخصی (personal name) زیرشاخه‌ها و اصطلاحات فراوانی دارد. در غرب مسیحی اصولاً به هر شخصی در ابتدای حیاتش (در اروپا و سپس آمریکا) طی انجام مراسم غسل تعمید، نامی داده می‌شد که به آن اسم، اسم تعمیدی یا مسیحی یا اسم کوچک گفته می‌شد. در ایالات متحده و کانادا به آن first name یا given name می‌گویند. به دلیل اینکه بسیاری از افراد دیگر هم صاحب این نام می‌شدند، یک اسم دیگر (surname) (شهرت) به آنان داده می‌شد که از دیگر هم‌نامهای خود متمایز باشند. (مثلاً جان هد (john head)، جان هانتز (j.hunter) و جان اسکات (j.scott).)

بسیاری از این شهرت‌ها در آن خاندان ثابت می‌مانند و موروثی می‌شدند. به این گونه نامها که به نام خانوادگی (family names) یا surname می‌گویند در ایالات متحده و کانادا اغلب last name گفته می‌شود. الگوی اصلی اسم شخصی شامل اسم کوچک + اسم خانوادگی است که البته استثنائاتی هم دارد. در میان چینی‌ها و مجارها نام خانوادگی مقدم بر نام کوچک است: مائو تسه

تونگ چینی و ناگی ایشتون مجاری که مائو و ناگی نام خانوادگی است. مجارها معمولاً هنگام نوشتن نام خود به انگلیسی این ترتیب را به هم می‌زنند، بنابراین ناگی ایشتون (استیفن) می‌شود اشتیوان ناگی، ولی چینی‌ها هیچ تغییری در ترتیب آن نمی‌دهند.

در کانادا و ایالت متحده معمول است که یک اسم دیگر بین اسم کوچک و خانوادگی قرار می‌دهند (که البته معمولاً موقع نوشتن فقط حرف اول آن می‌آید)، که به آن اسم دوم یا اسم وسط (second/ middle) می‌گویند. این اسم می‌تواند در اصل نام خانوادگی دوران دوشیزگی زنی باشد. در اروپا انتخاب اسم دوم به این نحو کمتر معمول است و اغلب در مراسم غسل تعمید یا در نهایت هنگام پذیرش عضو در کلیسا انجام می‌شود. در اکثر کشورهای اروپایی اولین اسم تعمیدی مهمترین آن است و از اسامی دوم و سوم و ... می‌توان صرف نظر کرد. در میان آلمانی‌ها، اسم تعمیدی که درست قبل از نام خانوادگی می‌آید مهمترین است. برای مثال اگر یکی از نام‌های تعمیدی در «یوهان سباستین باخ» یا «یوهان ولفگانگ فون گوته» قرار است حذف شود، «یوهان» است. اما در مورد یوهان نپوموسینوس نستروی (johann nepomucenus nestroy) اسم به صورت یوهان نستروی خلاصه می‌شود، زیرا نپوموسینوس به قدیسی اشاره می‌کند که نامش یوهان بوده است).

بریتانیایی‌ها نیز اغلب اوقات از الگوی آلمانی استفاده می‌کنند، مثل دلبیو سیدنی آلن (W.Sidney Allen) در مناطق معدودی از اروپا، به ویژه در میان نژاد اسلاو شرقی، نامهایی که از اسم کوچک پدری مشتق شده‌اند بین نام خانوادگی و اسم کوچک قرار می‌گیرد. در روسی چنانچه نام پدر ایوان کریلوف باشد نام پسرش به طور مثال پیوتر ایوانوویچ کریلوف (Pyotr Ivanovich Krylov) خواهد بود و نام دخترش نیز مثلاً واروار ایوانوونا کریلوا (Varvara Ivanovna Krylova) می‌شود. صورت رسمی خطاب اسامی اشخاص در جمع دوستان، همسایگان، همکاران و افراد مافوق شامل دو بخش اول است: «پیوتر ایوانوویچ» و «واروارا ایوانوونا».

در ایسلند از نام کوچک همراه نام پدری استفاده می‌شود و از کاربرد نام خانوادگی ممانعت به عمل می‌آید. در اسپانیا، نام خانوادگی هر شخص شامل نام‌های خانوادگی پدر و مادر است که به تناسب مهم بودن بر دیگری تقدم پیدا می‌کند. مثلاً در «خوزه ماریا آزنا» «ماریا» و «آزنا» نام خانوادگی والدین خوزه است. لقب Nickname مربوط به شهرتی است که به نام خانوادگی تبدیل نشده است مثل John Smith Fatty که چاقالو شهرت آقای جان اسمیت بوده است و گاهی by name یا to name گفته می‌شود.

کاربرد لقب برای متمایز کردن افرادی با نام خانوادگی مشابه بوده که اسم کوچکشان مورد خطاب واقع نمی‌شده یا اینکه اسم کوچکشان هم شبیه یکدیگر بوده است. در یک روستا ممکن است چندین خانواده جونز (Jones) ساکن باشند. اگر آنها را با اسم کوچک صدا نزنند، شاید شناسایی آنها با شهرتهایی از قبیل رد هد (Red head) (موقرمز)، پاند (Pond) (برکه) و غیره آسانتر باشد.

اسم‌های جعلی (hypocoristic) عبارتند از اسامی‌ای که به طور دوستانه و صمیمانه و خودمانی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ مثلاً تام به جای توماس و جیم به جای جیمز. البته برخی از این گونه‌های اسم خودمانی، به ویژه در ایالات متحده، به عنوان اسم کوچک اصلی استفاده می‌شوند.

روند نامگذاری

یکی از نکات مورد توجه در نامگذاری، معنی اسم و تداعی آن است. در این زمینه برای دریافت معنی اسمی مثل فیلیپ (Filip) یا (Philip) باید به سراغ صورت اصلی یونانی آن یعنی «فیلیپو» رفت که به معنی «دوستدار اسبها» (Lover of horses) است. هر چند این معنی کردن اسم‌ها معمولاً راهی به جایی نمی‌برند که چندین دلیل دارد: یکی اینکه ممکن است اسم موردنظر از زبان دیگری وارد شده باشد. مثل بعضی اسم خاص‌های سرخپوستی از قبیل شیکاگو، اوشکوش (Oshkosh) و کان کاکای (Kan kakee)، یا اسم‌های یونانی و غیره که از طریق مسیحیت به اروپا و آمریکا وارد شده‌اند. علاوه بر این گاهی به دلیل تغییرات زبان داشتن معنی اسم‌ها غیرممکن می‌شود. مثلاً اسم خاص شهر بیرمنگام (Birmingham) در انگلیسی کهن به معنی «محل زندگی مردم بیورما» بوده است و همین طور است نام آلمانی‌الاصل جرارد یا ژرارد (Greard) که زمانی نیزه قوی (Strong Spear) (Ger- hardo) معنی می‌شده است. بعضی از اسامی خاص کوتاه شده‌اند مثل لوس آنجلس که کوتاه شده El Pueblo de la Reyna de los Angeles به معنی شهر ملکه فرشتگان است. این شهر به افتخار مریم عذرا (س) نامگذاری شده است.

دلیل دیگر این است که از یک کلمه برای اسم خاص، آن اسم معنی خود را از دست می‌دهد. مثلاً اسم آکسفورد به معنی گذار گاوهای نر (Ford of Oxen) دیگر امروز در ذهن افراد تداعی نمی‌شود. امروزه به کار بردن نام وایت برای سیاهپوستان عجیب به نظر نمی‌رسد. و بالاخره اینکه گاهی آن اسم از ابتدا هیچ معنی خاصی نداشته باشد. برای مثال اسم خاص تولونو (Tonolo) یا نام خانوادگی برئال (Breal) از توالی تصادفی مصوتها ایجاد شده‌اند و معنی و مفهومی جز خوشایندبودن ندارند.

انتخاب اسم

اسم‌های ماری، مری و جان هر چند ظاهراً معنی خاصی ندارند ولی به دلیل تداعی نام افراد مهم در مسیحیت فراوان مورد استفاده قرار می‌گیرند. گاهی اوقات وجه تداعی بر معنی آن غلبه پیدا می‌کند. مثلاً در رابطه با فرقه سنت دیمتریوس، نام دیمتریوس یکی از مشهورترین و محبوبترین اسم‌ها در مذهب ارتودکس مسیحی یونان است، هر چند معنی آن «متعلق به دیمتر» است که از رب‌النوع‌های آئین شرک بوده است. بعضی از اوقات این موضوع با سنت‌های ملی ادغام شده است. (پاتریک در ایرلند، ایوز (Yves) در بریتانیا، ایشتون در مجارستان و ایوان در روسیه). گاهی نیز به رسومات خانوادگی مربوط می‌شود (لوئیس یالوئی در خاندان بوربون فرانسه، ویلهلم در خاندان هوهن زولرن (Hohenzollern) و هنرین (Henryn) در خاندان فورد).

در بیشتر موارد، نام‌های نیک و خوشایند برای کودکان انتخاب می‌شود، ولی در بعضی فرهنگها (نیمه بیابانی افریقا، یونان قدیم و چین قبل از انقلاب) به بچه‌ها اسم‌های زشت و ناخوشایند می‌دادند تا بدینوسیله ارواح خبیثه تمایلی به آنها نداشته باشند.

آشنایی با مقررات و قوانین مربوط به نام‌گذاری

انتخاب نام شخصی در کشورها معمولاً تابع قوانین و مقرراتی است. ایالات متحده و بریتانیا به پیروی از شریعت کاتولیک (Roman Law) اجازه تغییر نام را به افراد می‌دهند. البته بجز مواردی که شخص قصد فریبکاری داشته باشد.

نخستین قانون راجع به انتخاب اسم را شورای ترنت (Trent) در ۱۵۶۳ وضع کرد که بر طبق آن کشیشان کاتولیک در هنگام انجام غسل تعمید کودکان باید بر آنان نام قدیسان مسیحی را می‌نهادند؛ اگر والدین بر گذاشتن اسم دیگری پافشاری می‌کردند، کشیش ملزم به رعایت آن می‌شد ولی همچنان نام قدیس را هم به عنوان نام دوم تعمیدی به آن اضافه می‌کرد. این مقررات که هنوز هم بخش معتبری از شریعت کاتولیکی است، در مخالفت با آداب پروتستانی بود که اسم نوزاد از اشخاص مهم نام‌برده شده در عهد عتیق انتخاب می‌کردند، حتی اگر به مسیحیت ارتباطی نداشته باشد (مثل آبراهام، ساموئل و راشل). از همین نظر، این مقررات در کشورهای کاتولیک با موفقیت اجرا شد ولی نتوانست مانعی برای انتخاب اسامی لاتین ایجاد کند. مانند چه‌زازه در ایتالیا که از سزار یا قیصر لاتین گرفته شده و ربطی به مسیحیت ندارد.

کتابهای مخصوصی موجود است که برای هر روز از سال نام یک یا چند قدیس برای انتخاب نام نوزاد در روز انجام غسل تعمید در آن نوشته شده است.

مهمترین قانون بعدی در فرانسه بعد از انقلاب تصویب شد که ابتدا آزادی کامل در انتخاب نام داده شد. نام‌های جالبی مانند «مرگ اشرافیت» (Mort aux Aritocrates) و کافه بیلار (Café Billard) یادگار این دوران است. برای جلوگیری از این روند در ۱۸۰۳ قانونی گذارده شد که به موجب آن نامهای مجاز عبارت بودند از نامهایی که در تقویم‌های مختلف موجود بود یا نام اشخاص مشهور تاریخ فرانسه. بدین ترتیب از رواج اسم‌های بحث‌انگیزی مثل روبسپیر، آرامیس، دارتانیان و رومئو جلوگیری شد.

در آلمان به عروس اجازه داده می‌شود که نام خانوادگی خود را در کنار نام خانوادگی همسرش داشته باشد. مثلاً خانم اینکا اشمیت پس از ازدواج با آقای کارل نویمن، اینکا نویمن - اشمیت نامیده می‌شود. از خانواده‌های بریتانیایی تبار به ندرت مشاهده می‌شود که زن و شوهر هر دو صاحب نام خانوادگی ترکیبی می‌شوند، مثلاً نام خانوادگی خانم بثاتریکس کرزن و آقای فردریک کولوندی پس از ازدواج به صورت کولموندلی - کرزن در می‌آید. در کشور چک وقتی خانم آنا کلیمووا با جوزف نوواک ازدواج می‌کند، گاهی هیچ تغییری در نام خانوادگی زن یا شوهر ایجاد نمی‌شود، گاهی نیز نام خانوادگی آنها به نوواکوا (Novakova) تبدیل می‌شود یا اینکه در برخی موارد نام خانوادگی جوزف به کلیما بدل می‌شود. این موضوع به توافق طرفین بستگی دارد و در مورد نامگذاری فرزندان هم اعمال می‌شود.

الگوهای نامگذاری اروپایی

در نظام هند و اروپایی باستان، هر کس یک نام داشت. نام‌ها یا ساده بودند یا مرکب. نام ساده مخصوص افراد زیردست جامعه و

فرزندان آنان بود. نام‌های مرکب به بزرگان و سرکردگان جوامع و قبایل اختصاص داشت که به ارتباط او با خدایان یا خصوصیات آنان اشاره می‌کرد. مثل اسامی سانسکریتی وی پوپوترا (پسر ویشنو)، دواداتا (خداداد) و دوار (شاه خدایان). نیز در ایران باستان نامهای اوستایی از قبیل هرمز یا هورمزد و نام میتراداد و مهرداد به بزرگان اختصاص می‌یافت.

این شیوه در میان یونانی‌ها نیز رایج بود، مثل هرودوتوس (عطیه هرا)، ایزودوروس (عطیه ایزیس) یا تئودوروس (تئودور) و دوروتوس (دوروتی) که هر دو به معنای خداداد هستند.

همچنین نام‌های مرکبی مانند آستیاناکس (Astyanax) (شهریار، صاحب‌شهر)، پریکلس (Pricles) (بسیار مشهور) و دموستن (Demosthenes) (قدرت مردم) مورد استفاده قرار می‌گرفت. نام افلاطون (Plato) یک نام ساده یونانی به معنای «مرد دارای شانه‌های پهن» یا به اصطلاح چهار شانه است. نمونه‌هایی از نام‌های مرکب آلمانی شامل هری برتو (هربرت) ارتش + درخشان، هوگوبرتو (هیوبرت) دارنده افکار تابناک، گودوفریدو (گوتفردیا جفری) صلح و آرامش ملکوتی، فریدریکو (فردریک) صلح + قدرتمند است. از نمونه‌های اسم ساده آلمانی می‌توان به کارل (یا چارلز یا شارل) اشاره کرد که از کارولوس لاتین به معنی مرد و انسان گرفته شده است.

از نام‌های ترکیبی نمونه اسلاوی می‌توان به ولادیمیر (فرمانروای جهان) ولادیسلاو (فرمانروایی + عظمت و شکوه) و میروسلاو (جهان و عظمت و شکوه) اشاره کرد.

نظام نام‌های لاتین کاملاً متفاوت بود. رومی‌ها در دوران باستان فقط یک اسم داشتند مثل رومولوس، رموس و مانیوس. در دوران بعدی نام اشخاص شامل دو بخش بود: اسم کوچک و اسم دوم (غیر کلیمی) فقط افراد صمیمی و نزدیکان، اسم کوچک را صدا می‌زدند که تعداد آنها کمتر از ۲۰ نام بوده که از میان آنها می‌توان گایوس، گنائیوس، مارکوس، کوئنتوس، پابلیوس، تیریوس و تیتوس را نام برد. اسم دوم به طور موروثی در هر نسل مشاهده می‌شد مثل آنتونیوس، آئورلیوس، کلاودیوس، کورنلیوس، فابیوس، جولیس و لوسیوس. به دلیل محدودیت در تعداد اسامی اول و دوم، افراد صاحب شهرتی هم می‌شدند مثل سیسرو (Cicero) (لوبیا)، پیکتور (نقاش)، پلاتونوس (پا پهن) و تایتوس (Tacitus) (ساکت). در نهایت رومی‌ها هم صاحب سه نام شدند، مارکوس تولیوس سیسرو، گایوس جولیس سزار. بعضی اوقات فرد صاحب نام چهارمی هم می‌شد مثل پوبلیوس کورنلیوس سی‌پیو آفریکانوس که به دلیل جنگ موفقیت‌آمیز خود در افریقا به این شهرت خوانده می‌شد. وقتی مارکوس تولیوس سیسرو برده‌ای اهل سوریه را آزاد می‌کند، نام آن برده به این صورت می‌شود: مارکوس تیلیوس سیروس (Marcus Tullius Syrus).

وقتی تعداد برده‌های آزاد شده افزایش یافت، به ویژه پس از پیروزی مسیحیان، برده‌ها و اسیرهایی که به شهروندی پذیرفته می‌شدند نام قاضی صادرکننده حکم را به نام خود اضافه می‌کردند به طوری که در سال ۲۱۲ قبل از میلاد صدها هزار شهروند جدید از جانب امپراتور کاراکالا (Caracalla) صاحب پیشوند مارکوس آئورلیوس شدند. دیگر فرقی نمی‌کرد که از چه کشوری آمده بودند: یونان، سوریه یا غیره.

نام مسیحی

تغییر دیگری در نامگذاری به دست مسیحیان صورت گرفت. آنان جزو طبقه‌ای از اجتماع بودند که عملاً به آداب و رسوم طبقه اشرافی پایبند نبودند و ترجیح می‌دادند نام‌هایی انتخاب کنند که به دین خودشان مربوط باشد، مثلاً نام قدیسان (پتروس، پائولوس، جووانس و ماریا) یا نام شهیدان دوران بعد از حضرت مسیح. اغلب اشخاصی که اسامی ساده لاتین یا یونانی داشتند مثل استفانوس (حلقه و تاج گل) استفان جدید، لورنتیوس «لورل» (لارنس جدید) و سیدونیوس (اهل سیدون) در فنیقیه (سیدنی جدید). مسیحیان به تدریج اسم‌های مخصوصی را ساختند از قبیل بندیکتوس (Benedictus) (مورد لطف و مرحمت قرار گرفته)، دزیریوس (Desiderius) (نیازمند رستگاری، رستگارطلب) و راتوس (Renatus) تولد دوباره از طریق غسل تعمید. با گسترش مسیحیت، در نواحی و مناطقی که به امپراتوری رم تعلق نداشت، اینگونه نام‌ها، هر چند با پراکندگی، رواج یافت، در میان نژاد ژرمن و اسلاو (که نیمی از آن تحت سلطه کلیسای شرق اروپا بود) استفاده از بسیاری اسامی اصیل غیرمسیحی ارائه یافت که دلیل این امر سنت موجود و نیز این بود که صاحبان اینگونه اسامی خود از قدیسان بودند.

نام خانوادگی

استفاده از نام خانوادگی از اواخر قرون وسطی (حدود قرن ۱۱ میلادی) شروع شد و در قرن ۱۶ تکمیل شد. به نظر می‌رسد به‌کاربردن نام خانوادگی از خانواده‌های اشرافی آغاز شده باشد. بدین طریق که شهرت (surname) فردی مبنای آن قرار گرفت. به نحوی که ضمن انتقال از پدر به پسر تغییر می‌کرد و حتی در طول عمر شخص قابل تغییر بود. یک اسم موروثی که به صورت نام خانوادگی درآمده باشد استمرار آن خاندان را یادآور می‌شود و البته پرستیژ یا سهولت مکاتبات اداری و ثبت اسناد و مالکیت و غیره را نیز باید از استفاده‌های نام خانوادگی شمرد. نام‌های خانوادگی معمولاً از طریق کوتاه کردن اسم کوچک ایجاد می‌شد، به طور مثال از هنری اسم‌های هری، هریس، هال و هالکین؛ از گیلبرت اسم‌های گیبز، گیبون، گیبین، گیپس، گیلی و گیلپین و از گرگوری اسم‌های گرگ، گرگ، گرگر، گرمگیر و گریگ ساخته شده است.

منابع دیگر نام خانوادگی عبارتند از: القاب و کنیه‌ها، شغل‌ها، اسامی خاص (شهر، کشور، ...).

لقابی شبیه بیگز (Bigs)، لیتل (Little)، گرانت (Grant)، گریت هد (Great head)، بیور (بیدستر) (Beaver) و پارتریج (کبک) (Partridge).

شغل‌ها و پیشه‌ها:

آرچر (Archer) (تیرانداز - کمانگیر)، کلارک (Clark)، کلرک (Clerk) (منشی، دبیر) باند (Bond)، باندز (Bonds)، باوند

(Bound)، باند (Bundy) (ضامن).

(اسم شهر و کشور و...) والاس (Wallace) (اهل ولز) آلینگتون، موری (Murray)، هاردس (Hardes)، ویتنی (Whitney) (محل‌هایی در بریتانیا)، فیلد (Field) (میدان)، بروکز (Brookes) (نهر، جویبار) وودز (Woods) (جنگل) تعداد بسیاری از نام‌های خانوادگی از اسم کوچک پدر گرفته شده است. در انگلستان معمولاً پسوند son با تلفظ سان یا سون به انتهای اسم کوچک اصلی پدر یا یکی از صورتهای کوتاه شده آن اضافه می‌کنند. مثلاً از اسم کوچک ریچارد علاوه بر ریچاردسون، نام‌های خانوادگی دیکسون، دیکسان و دیکسون ساخته می‌شود (Dickson, Dixon, Dickinson).

از هنری: هنریسون، هریسون و هندرسون (Henryson, Harrison, Henderson).

از گیلبرت: گیلبرتسون، گیسیون، گرگسون و گریگسون (Gilbertson, Gibson, Gregson)

نام خانوادگی پدری با پیشوند فیتز (Fitz) (ش فیتز جرالذ)، به ویژه در خاندان‌های قدیمی، مربوط به واژه fis (پسر) در زبان نورمن فرانسوی است.

وجه تمایز نام‌های خانوادگی اسکاتلندی از انگلیسی، وجود پیشوند مک (Mc, Mac) (مک گرگور) است. در ایرلند علاوه بر Mac یا Mc گاهی یک پیشوند o (ا) به ابتدای نام اضافه می‌شود (Mac O'Brien مک ابراین). نام خانوادگی ولزی‌ها یک پیشوند P دارد (پاول، پرهاول) (Powell "son of Howell")

در یونان نام خانوادگی پدری با اضافه کردن پسوند درست می‌شود، ایمیتریو پولوس یعنی پسر دیمیتریوس. در فرانسه از اسم کوچک ژاک (Jacques) دوازده اسم ژاک، ژاکو، ژاکوت، ژاکوتن، کوته، کوتن، کوتین، ژاکن، ژاکنه، ژاکنو، ژاکار و ژاکیه ساخته می‌شود.

اسم‌های کلارک، لوکلور، دوکلور، اکلور و کلرگ (Clergue) و (Duclerc) و (Leclerc) و (Clerk) به معنی (منشی و دبیر)، بوشه (Boucher) (قصاب)، بولانژ (Boulangier) (نانوا) و ماسون (Masson) (بنا) مربوط به شغل و پیشه است.

چنین الگویی تقریباً در سراسر اروپا مشاهده می‌شود. برخی از نام‌های خانوادگی از القابی گرفته شده‌اند که مربوط به رفتار یا اتفاق است که امروزه قابل درک نیست. مثلاً در کشور چک نام خانوادگی Nejezchleba/نچ لبا (نان نخورید) و Skocdopole/اسکوک دوپول (Jump into the Field) (پرید به میدان) است که کاملاً عجیب به نظر می‌آید.

ساخته شدن نام خانوادگی یهودیان اندکی متفاوت است. آنان در زمان زندگی در گتوها فقط اسم کوچک داشتند. در اوایل قرن نوزدهم، آنها به اختیار یا اجبار صاحب نام خانوادگی شدند. بسیاری از این نام‌ها ریشه مذهبی دارند؛ کانتور، کانتیرنی، کانتروویچ (روحانی رتبه/ رده پایین) کهن (Kohn)، کوهن، کاهن، کان (Kaan)، کاهان (روحانی)، لوی (Levi)، هالهوی و لوی (نام قبیله روحانیون). البته اسم‌های غیرمذهبی نیز گاهی به یهودیان داده شده است. مثل هیرش (Hirsch) (گوزن در زبان آلمانی)، ابرستارک

(Eberstark) (قوی چون گراز)، روزن دافت (Rosenduft) (عطر رز) و هیت زیگ (Hitzig) (داغ).

نام‌های قفقازی شام اسم فردی و اسم قبیله‌ای (نژادی) است. نام پدر هم ممکن است اضافه شود، بنابراین گاجلوچ تی سوسلانی فیرت نافی (Gaglojty Soslany Fyrt naif) یعنی نافی پسر سوسلان از نژاد گاجلو.

در چین از قرن چهارم قبل از میلاد مسیح تاکنون روش نامگذاری موروثی برقرار است. در حال حاضر تعداد نام‌ها به ۲۰۰ نوع کاهش یافته است. «چان»، «مائو» و «لو» (Chan, Mao, Lu) نمونه‌هایی از این اسامی هستند. انتخاب اسامی قبلاً آزادانه‌تر بود ولی امروزه قوانین و مقررات محدودیت‌هایی برای آن قائل شده است.

در کره تعداد نام‌های خانوادگی به ۳۰۰ نوع کاهش یافته است ولی سه اسم کیم، پاک و یی (Kim, Pak, Yi) مورد استفاده اکثریت قابل توجهی از خانواده‌ها قرار می‌گیرند. انتخاب اسم فردی محدودیت‌هایی دارد، بدین‌گونه که یکی از دو هجای آن باید برای تمام افراد آن نسل از خاندان یکسان باشد و آن اسم حتماً باید معنی خوشایندی داشته باشد.

در میان سرخپوستان هیچ اسمی نیست که ربط یا اشاره‌ای به خداوند داشته باشد. در عوض نامهای مرتبط با توت‌م، حیواناتی که در خواب می‌بینند یا برایشان بدشگون باشند و نیز اسم‌هایی که به رویدادهای موفقیت‌آمیز زندگی‌شان مربوط باشد، مورد استفاده فراوان دارد. سرخپوستان ساکن امریکای شمالی که نامهای انگلیسی را نپذیرفتند اکنون ترجمه نامهای خود را به انگلیسی استفاده می‌کنند (که گاهی موروثی نیز نیست) مثل John sleepin owl (جان جغد خوابیده) و Mary little Bear (مری خرس کوچک).

منبع: بریتانیکا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی